

کتاب مشی صالحین + خلاصه

کتاب مشی صالحین + خلاصه

خلاصه کتاب: بچه مکتبی ها در اهواز، در حالی که هنوز گرد و غبار نبرد در میدان جنگ سخت را از تن فرو ننشانده بودند با درک شایسته این حقیقت که این جبهه سردار، فرمانده گردان، مسئول دسته، دیده بان و رزمنده خاص خود را می طلبد و با نگاه به فردایی روشن؛ مشغول کادر سازی دوباره برای جهاد فرهنگی شدند و در طول سال های پس از جنگ، مهره های مناسب و موثر در این جبهه جدید را از نو تربیت کردند. رزمندگان جبهه جهاد فرهنگی در اهواز برای این کار، نخست به احیاء مسجد، به عنوان کانون مبارزه و جهاد و مرکز تبلور اندیشه دینی و نیز محلی برای نیایش و بندگی و تضرع و عبادت پرداختند.

شجره طوبه صالحین؛ به معنای اخص، در صدد راه اندازی حلقه های تربیتی در مسجد، با هدف ایجاد یا تغییر رفتار در مخاطبان، مبتنی بر مکتب تربیتی اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) می باشد، اما صالحین به معنای عام؛ به فعال سازی، رونق و احیای مساجد شیعه در آخر الزمان می اندیشد.

پیشینه اجمالی شجره طوبه

پیشینه تاریخی اجرای شجره ی طوبه صالحین؛ یا همان تشکیل حلقه های تربیتی معرفتی در مسجد، بیش از همه به صدر اسلام در مسجد النبی، مسجد قبا و سایر مساجد مکه و مدینه بر می گردد.

چنانچه روش تربیت و معرفت افزایی در جریان صالحین نیز به تمام و کمال، به مشی عملی اهل بیت عصمت طهارت (علیهم السلام) و سیره ی اولیاء خدا و بزرگان دین بر می گردد.

بر این اساس، از آنجا که در حلقه های تربیتی صالحین؛ همواره سه عنصر مربی، متربی و پیام تربیتی، به عنوان ارکان اساسی کار شناخته می شوند

شکل صالحین، نشستن حلقه ای افراد را در جلسات به چند دلیل مورد تأکید قرار داده است:

- اول آنکه در نظام حلقه ای برای هیچ کس، صدر و ذیل و بالا و پایین قائل نمی شویم و تمامی اعضاء گروه را در مقام تعلیم و تربیت و نیز در مرتبه پرورش و تزکیه، تقریباً هم طراز و هم رتبه یکدیگر فرض می کنیم که به این ترتیب، همه اعضای گروه به یک

اندازه برای آموختن و تعالی ورشد و کمال و معرفت در خود احساس نیاز خواهند کرد .

چنانچه در این باره، در آموزه های دینی می خوانیم که در صدر اسلام نیز، گاهی وقتی فردی به دنبال رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در مسجد می آمد، قبل از اینکه اصحاب، ایشان را معرفی کنند، خودش از ترتیب نشستن افراد نمی توانست حضرت را بشناسد، که این امر، حاکی از نشستن حلقه ای افراد در آن جلسات می باشد.

- دوم آنکه در نظام نشستن حلقه ای ودایره وار، همه اعضای گروه در مباحث شرکت داده می شوند و ترس و واهمه احتمالی افراد خجالتی و کم رو برای سخن گفتن و ابراز عقیده، در فضای صمیمی و بدور از هر گونه تکلف حلقه تربیتی، از بین خواهد رفت و بر این اساس تمامی حاضران فرصت حضور در حلقه را به منظور رشد و ارتقاء دانش و بصیرت خود مغتنم می شمارند.

- و بالاخره سوم آنکه در نظام حلقه ای، برای مربی که نقش مبلغ یا همان پیام رسان دینی را ایفا می کند، امکان بهره برداری از اثرگذارترین شیوه ی تبلیغ و آموزش؛ یعنی همان تبلیغ چهره به چهره ؛ سینه به سینه یا به تعبیر روایات اسلامی بالمشافهه فراهم می گردد.

همچنین اعضای حلقه های تربیتی صالحین معمولاً 15 تا 20 نفرند که در موارد استثناء می تواند کمتر یا بیشتر از این تعداد هم باشد؛ مثلاً به 25 نفر برسد و یا 9 نفر باشد.

استاندارد عددی 15 تا 20 نفر، از این رو درسیر تربیتی صالحین لحاظ شده است که تشکیل گروه و حلقه تربیتی با کمتر از 15 نفر عضو، برای یک گروه صالحین، که قرار است حداقل یک سال با یک مربی (سرگروه) مراتب رشد و کمال را طی کنند احتمال دارد به دلیل عدم ثبات نیروها، جابه جایی و تغییر محل سکونت اعضاء و یا هرازگاهی به دلیل غیبت چند نفر از آنان در جلسات، لطمه خورده و به لحاظ کیفی آسیب ببینند.

بعنوان مثال، در حلقه ای که 10 تا 12 نفر عضو وجود دارد، اگر فرض کنیم سه یا چهار نفر از آنها غایب باشند بدون شک شور و حال لازم و رغبت انگیزی مناسب در طرح طرفینی مباحث ایجاد نخواهد شد.

همچنین دلیل تعیین حد نصاب اعضاء در یک حلقه تربیتی به تعداد 20 تا 25 نفر نیز آن است که چون شاه بیت تربیت در حلقه های صالحین، در واقع همان تأثیر شگرف برقراری رابطه عمیق عاطفی ناصحانه؛ بین مربی (سرگروه) و متربی است پس براین اساس طبیعیه نظر می رسد که در این میان، تذکرات و توصیه های فردی مربی به اعضای گروه، و نیز تشویق و تنبیه متربیان توسط مربی در مواقع لازم در

کنار پایه ریزی ارتباط مؤثر با والدین و برقراری رابطه دوستانه هدایت گر و خیرخواهانه در فضایی غیر رسمی و صمیمی، همه و همه جزء رموز اصلی موفقیت مربیان و سرگروه های حلقه های تربیتی صالحین می باشند که این مهم، با عضویت بیشتر از 20 یا 25 نفر در یک حلقه، به طور قطع و یقین صورت نخواهد پذیرفت.

علاوه بر این، اعضای حلقه های تربیتی صالحین، حتما می بایست هم سطح، هم سن و همدل باشند که در این خصوص در بخش های بعدی این نوشتار به تفصیل سخن خواهیم گفت.

بهر حال، در این مجال، ضمن تأکید دوباره بر این نکته که جریان صالحین در واقع در صدد احیاء مکتب تربیتی اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) با محوریت مسجد است؛ به بیان اجمالی و گذرای پیشینه اجرای صالحین در شهر اهواز مرکز استان خوزستان می پردازیم.

بعد از پایان دفاع مقدس، جمعی از رزمندگان جامانده از خیل شهدا که هنوز به رسالت‌مندی و تکلیف خویش برای صیانت از راه خدا پایبند و معتقد بودند، با یقین به این مهم که جنگ همچنان باقی است و اکنون تنها حوزه ی امتحان عوض شده است، به تغییر تاکتیک در کوتاه مدت و طرح ریزی استراتژی جدید برای مبارزه در دراز مدت مبادرت ورزیدند. جوانان انقلابی اهوازی، این بار خود را برای مبارزه با دشمن در جبهه ی جنگ نرم مهیا کردند و به دفاع جانانه از ایدئولوژی اسلام پرداختند.

بچه مکتبی ها در اهواز، در حالی که هنوز گرد و غبار نبرد در میدان جنگ سخت را از تن فرو ننشاند بودند با درک شایسته این حقیقت که این جبهه سردار، فرمانده گردان، مسئول دسته، دیده بان و رزمنده خاص خود را می طلبد و با نگاه به فردایی روشن؛ مشغول کادر سازی دوباره برای جهاد فرهنگی شدند و در طول سال های پس از جنگ، مهره های مناسب و موثر در این جبهه جدید را از نو تربیت کردند. رزمندگان جبهه جهاد فرهنگی در اهواز برای این کار، نخست به احیاء مسجد، به عنوان کانون مبارزه و جهاد و مرکز تبلور اندیشه دینی و نیز محلی برای نیایش و بندگی و تضرع و عبادت پرداختند.

که درواقع اهوازی ها به ثمر رسیدن بیش از دو دهه تلاش ارزشمند و مقرون به هدف خویش را در این مسیر، تنها وامدار عمل به یک جمله ی پیامبر گونه امام راحل عظیم الشان و معمار کبیر انقلابند؛ که فرمود: ((مسجد سنگر است، سنگرها را حفظ کنید.))

همچنین اتفاق شگرف و عظیمی دیگری که در اهواز افتاد و موجب شد به تعبیر برخی از دوستان، در طول بیست سال در اهواز و استان خوزستان

در دل کویر گلستان ساخته شود علاوه بر این، مدیون و مرهون ایجاد ساختارهای مناسب تربیتی در این منطقه و نیز فراهم آمدن بسترهای تحولی لازم برای انجام این کار بوده است، بسترهایی که دارای مبانی علمی و برخاسته از روحیه کار گروهی و جمعی می باشند به دیگر سخن آنکه، بچه مکتبی ها در اهواز توانستند در کمتر از دو دهه، فعال سازی مساجد را با رویکرد جذب جوانان و نوجوانان به مسجد و نیز بر اساس برنامه ریزی مناسب و مجاهدت و سخت کوشی کم نظیر خود به جریان غالب فرهنگی در این شهر تبدیل کنند.

علاوه برآنکه اهوازی ها در همان سالهای آغازین با تأسیس حوزه علمی امام خمینی (ره)، درست چند سال بعد از جنگ، به تربیت طلاب و روحانیون فعال، کارآمد و با انگیزه پرداختند بگونه ای که در این حوزه، تقریباً هر دو سال یکبار، طیف جدیدی از مربیان معتقد به رسالت فعال سازی مساجد تربیت می شوند، افرادی که خود را رسالتمند به تکثیر دغدغه کار فرهنگی می دانند و هر کدام در واقع یک مبلغ فعالیت مسجدی با رویکرد تربیت هستند.

بر این اساس اکنون، فضای حاکم بر شکل های فرهنگی و دینی اهواز طوری است که فرهیختگان دینی و نخبگان مذهبی این شهر، بدون ایفای نقش در مساجد، هیچکدام برای خود هویتی خاص و جایگاه مکتبی و انقلابی ارزشمندی قایل نیستند، چنانکه در این پروسه عظیم تربیتی دینی، هر کس بتواند در رونق جریان فعال سازی مساجد مؤثر باشد برای این کار ایفای نقش می کند بگونه ای که اکنون، برخی مدافع این جریان ارزشمند در دستگاه ها و نهاد های رسمی شهر اهواز و سطح کشور شده اند، عده ای تبلیغ این حرکت مقدس را در حوزه های علمی و فضاهای مذهبی عهده دار گردیده اند و گروهی نیز با تفکیک وظایف صف و ستاد به رزمندگی در جبهه مقابله با جنگ نرم در سنگر مساجد پرداخته اند.

در اهواز، محوریت کار فرهنگی تربیتی همواره با طلاب و روحانیون انقلابی، متعهد و مبارز است که ایفای نقش محوری روحانیت در این عرصه، در دو سطح کلان و خرد؛ صورت می پذیرد در سطح کلان، نماینده ولی فقیه و امام جمعه اهواز، در واقع حکم پدر معنوی بچه مکتبی ها را در جهت دهی، هدایت و حمایت حرکت های مسجدی و تربیتی بر عهده دارد و در سطح خرد نیز روحانیون و طلاب جوان، بیش از همه خود را داعیه دار رونق بخشی به مساجد می دانند و بدون هرگونه دستمزد و اجرتی، بی آنکه دستور العمل ابلاغی و اجرایی خاصی در میان باشد، به شکل خود جوش و خود انگیزه، به حضور در مساجد و ایفای نقش تربیتی در این راستا می پردازند.

اهوازی ها برای اجرای این پروسه عظیم و با هدف جلب حمایت

مسئولان و مردم در این راه، ابتدا به جلب اعتماد مردم و مسولان پرداختند و تلاش کردند تا اولین میوه های درخت تربیت در مساجد را به اهالی شهرشان معرفی کنند. چنانکه اکنون در اهواز، بسیاری از مسئولان و مدیران شهر و استان، به این نتیجه رسیده اند که برای تربیت بچه های خودشان هم که شده، حتما لازم است که مساجد شهر رونق داشته باشند. در این جبهه، همچنین بچه مکتبی ها با درس بزرگی که از دوره ی جنگ سخت آموختند سعی کردند که با دست خالی و با تمام توان، در مقابل دشمن بایستند و هرگز از پای ننشینند.

محکم بودن مثل صخره، اصرار بر یافتن راه برون رفت از مشکلات مثل آب و مداومت در پی گیری امور تا به نتیجه رساندن آن، به شیوه پی گیری های معروف به دار کوبی در اهواز، بالاخره موجب شد در این شهر نمونه و مدل موفق از کار فرهنگی ارائه شود که قابلیت تکثیر در کشور را دارد. مدلی که اگر امروز، هیچ کدام از دیگر موفقیت های ارزشمند بچه های اهوازی را هم نبینیم، تنها اثبات دو اندیشه ی کلیدی و راهگشای " می شود " و " ما می توانیم "؛ با خلق و آفرینش این مدل موفق و در معرض دید قرار دادن آن برای کل مساجد کشور، در واقع و فی نفسه کاری ارزشمند، ستودنی و قابل تقدیر است.

البته در این خصوص، نکته حائز اهمیت دیگری که می توان آن را راز موفقیت بچه های اهوازی دانست، اتصال شبکه ای نیروهای حزب الهی و با انگیزه بایکدیگر و نیز تکثیر افراد دغدغه مند، محوری و فعال مسجدی در سطح شهر و استان است.

به دیگر سخن آنکه اهوازی ها، تلاش کردند تا با حذف موازی کارهای منفی و فعالیت های فرهنگی سلیقه ای و جزیره ای در این عرصه، یکی از مشکلات اساسی جریان فعال سازی مساجد کشور را در شهر و استان شان تا حدودی مرتفع نمایند و با ایجاد کانون های انسجام و وحدت و جهت دهی به فعالان فرهنگی مساجد؛ انرژی و پتانسیل موجود در فضای فرهنگی شهرشان را در مسیر رشد و هم افزایی و تقویت گروه های همسو و هم جهت بکار بگیرند.

رزمندگان جبهه مقابله با جنگ نرم در اهواز، پس از خلق مدل های موفق اولیه و نظام مند کردن جریان که به فعال سازی مساجد این شهر منجر شد پس از آن، به تبلیغ و ترویج این اندیشه در کشور پرداختند و از همین رو برخی از پرچمداران این حرکت ارزشمند، خود را وقف مقابله با موانع تحقق این تفکر مقدس در سطح کلان کشور نمودند.

البته در این خصوص حتما لازم به یاد آوری است که همیشه کارهای بسیار بزرگ، خطاهای بسیار بزرگ دارند که نمی توان آن را نادیده

گرفت ، بنا براین در این عرصه ، حتی با داشتن نگاه حداقلی به این موضوع هم ، پر واضح است که اکنون می بایست رسیدن به دستاورد های بزرگتر از این را ، پس از دو دهه کار فرهنگی جدی در اهواز انتظار داشته باشیم.

اصرار بر تجربه نگاری و انتقال صرفاً تجربیات فاقد مستندات علمی و ادله دینی؛ و نیز عدم تلاش در راستای تولید محصولات فرهنگی متناسب با این حجم بالای مأموریت ، از جمله برخی اشکالات این جریان بزرگ در اهواز است.

علاوه بر آنکه متأسفانه، اهوازی ها هنوز نتوانسته اند گروه های مروج و مبلغ این مأموریت بزرگ را، در خور شأن این کار عظیم و ارزشمند، متناسب با نیاز اولیه کشور تربیت کنند.

مبلغان اندیشه مسجدی در اهواز، گاه با اصرار بیجا در حفظ ادبیات به اصطلاح محلی و عشایری خود، هیچ تلاشی در راستای به روز کردن، علمی نمودن و همه فهم شدن مبانی تربیتی خود صورت نداده اند، چنانچه گویی این قبیل افراد، هنوز به رسالت عظیم خود در این عرصه واقف نیستند. اما در هر صورت آنچه در اهواز، طی این سالها رخ داده است در واقع یک تغییر رویکرد کم نظیر ارزشمند و یک جهت گیری بی مانند است که دل سوزان، متدینین و علاقه مندان به نظام، باید در راستای تحقق آن، در سایر نواحی و بلاد کشور مجاهدت نمایند و همواره در خلال اجرای این مأموریت الهی ، افق نگاهشان را به چشم انداز ظهور حجت خدا (عج) ؛ بر روی زمین معطوف بدارند چراکه این انتظار سازنده و زیبا همواره فرا روی حرکت انسان های مجاهد و فعال چشم انداز می آفریند و برای آینده جبهه مسلمین، رزمنده مبارز تربیت می کند.

لذا بر این اساس و با مرور تجربه ی موفق انقلاب و دوران دفاع مقدس، اکنون در جبهه جنگ نرم نیز، همراه و همدل و هماهنگ با یکدیگر ، راه و رسم مبارزه و جهاد و دلدادگی و ایثار را اینگونه نجوا می کنیم که:

آخرین باری که طوفانی شدیم
پیش پای عشق
قربانی شدیم
باز هم یک روز طوفان می شود
آنچه می خواهد خدا
آن می شود

تغییر رویکرد

آنچه برای فعال شدن مساجد در تمام شهر های کشور و نیز الگو گرفتن از مدلهای موفق این حرکت ، حایز اهمیت اساسی است اعتقاد به ضرورت تغییر رویکرد از تجهیزات محوری و امکانات مداری به تربیت محوری و

مربی مداری است.

صالحین؛ در وهله ی نخست، و به خودی خود اتفاق بزرگی نیست بلکه بستر تحقق یک تحول عظیم و ارزشمند در آینده می باشد چنانکه در واقع، همراه شدن ده ها هزار فعال فرهنگی کشور با این جریان و نیز تلاش برای تربیت نسل جوان و نوجوان در این حرکت بخودی خود تحول بزرگی است که می توان از آن بعنوان اصلی ترین مأموریت دوره ی انتظار، به منظور تعجیل در ظهور امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) نام برد و یاد کرد.

به هر حال در این باره ، همانگونه که پیشتر گفتیم منشاء پیدایش جریان مسجدی در اهواز، در اولین لایه های زیر بنایی آن ؛ بیش از همه مبتنی بر همان تغییر رویکرد اساسیو مهم ، از نظامی گری در جنگ سخت، به رزمندگی و مجاهدت از نوعی دیگر و متناسب با نیاز جبهه جنگ نرم بوده است.

که بنابراین ، اولین گام ضروری برای موفقیت صالحین در هر شهر و دیار، حتما باید معطوف به همان هدف مذکور؛ یعنی تغییر رویکرد غیر تربیتی به تربیت باشد. البته برای کار، متولیان امر، در هر شهر و محله و روستایی که هستند باید اول به ترویج و تبلیغ این اندیشه پردازند و پس از آن تلاش کنند تا گروه های دغدغه مند و دارای رسالت اساسی، در این جبهه جدید، تکثیر شوند و به لحاظ عددی و کمی افزایش یابند. به دیگر سخن آنکه ، برای تبدیل پروسه فعال سازی مساجد شیعه در سایر شهر های کشور، به یک جریان فرهنگی غالب، ابتدا باید همکارانی همفکر و رزمندگانی مجاهد و نستوه ، مناسب این جبهه تربیت کرد؛ کسانی که حاضر باشند خود را وقف کار فرهنگی نمایند؛ طلاب، دانشجویان و روحانیون در واقع وقفی؛ مهره های کلیدی و اثر گذاری که حاضر باشند خود را وقف کار فرهنگی در جبهه مقابله با جنگ نرم دشمن نمایند.

در ادامه و پس از این مرحله همچنین افراد باید به تقویت تشکل های همسو در این خصوص پردازند، علاوه بر آنکه در این راه برخی فاکتور های مهم و اساسی همچون: بستر سازی مناسب به منظور تبادل تجربیات موفق ، احساس مسولیت و تعهد نسبت به سرنوشت سایر مساجد، اتخاذ نگاه جبهه ای به کل جریان کار و نیز تقویت انگیزه های مثبت و پر انرژی، از دیگر مؤلفه های اساسی این تغییر رویکرد ، در جریان احیاء مساجد در آخرالزمان یا همان جریان صالحین در کشور می باشد. برای این اساس، کسانی که در این راه مجاهدت می کنند

باید تلاش نمایند تا با صبر و استقامت کم نظیر خود حتی الامکان در رفع موانع کوشا باشند و در این راه هر مانع و مشکل را به مثابه ی یک علامت سؤال بدانند که قطعاً راه حل و جوابی خاص دارد و بدون شک،

اگر مسیر درست را طی کنند حتما خواهند توانست آن مانع و مشکل را از پیش رو بردارند.

بنابراین، اگر اهوازی ها 20 سال پیش حرکتی را شروع کردند که اکنون بطور نسبی موفق بوده است، حال هر چند ما انتظار نداریم که دیگران هم، مسیر 20 ساله آنان را یک شبه طی کنند؛ اما باید توجه داشت که همواره طی هزار فرسنگ راه صعب العبور نیز در وهله ی نخست، منوط به برداشتن گام اول می باشد که ما نیز باید اول همین گام را برداریم و مهم تر از آن، این که باید سعی کنیم که همین گام اول را نیز درست برداریم باشد که امیدوار رسیدن به هدف باشیم.

براین اساس، توصیه و تأکید به اجرای صالحین؛ در واقع به منزله ی ترغیب به حرکت و تلاش در این عرصه خطیرو حیاتی و نیز تذکر و یادآوری مداوم نسبت به اهمیت انجام مأموریت بزرگی است که آنک، پرده نشین غیب؛ یوسف فاطمه (س) هم، نتیجه و ثمره این کار عظیم را، چشم به راه است و انتظار می کشد.

معامله با خدا

کار فرهنگی، مملو از ناهمواری است، پر از فراز و نشیب است، بی عزم جزم نمی توان این مسیر را طی کرد، این راه ایثارگر می خواهد، جبهه جنگ نرم مجاهد نستوه می طلبد؛ در این نبرد نابرابر و دشوار گاهی در تیرس دشمن قرار می گیری، گاهی خودی ها آزارت می دهند، گاهی از کیف نفس و بهره دنیا می مانی، حقوق و مزایایت را قطع می کنند، هرچه بیشتر بر تلاشت می افزایی بیشتر به تو سخت می گیرند، اما یادت باشد که شرط انتظار این بود که منتظر هرگز از راه نماند، بقول لسان الغیب حافظ شیرازی: در این درگاه حافظ را چو می خوانند می رانند.

برای مبارزه در جبهه حق، همیشه رسم بر این است که گاهی کسی را با پس گردنی به میدان می آورند، گاهی کسی را به جرم بی لیاقتی بیرون می کنند، یکی را معطل نگه می دارند، یکی را دعوت می کنند و دیگری از راه می ماند. درست مثل ماجرای کربلا؛ پس در این میان، اگر یقین داشته باشی که: "کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا"، همیشه تاریخ در جریان است و همواره صدق می کند، دیگر از راه نخواهی ماند و مگر نه این است که شب عاشورا هم عده ای از خطر گریختند و جبهه حق را ترک کردند و درست در نقطه مقابل در همان ایام و روز ها، کسی مثل حر بن یزید ریاحی، در حالی که اول قرار نبود در این جبهه باشد، چون لیاقتش بیشتر از این حرف ها بود و شایستگی حضور در این جبهه را داشت در آخر کار به این جبهه پیوست.

اینجا جنگیدن جگر شیر می خواهد، مردانی با اراده آهنین که دنیا مانع حرکتشان نشود و مگر نشنیده ای که اهل مبارزه و مردی می گویند:

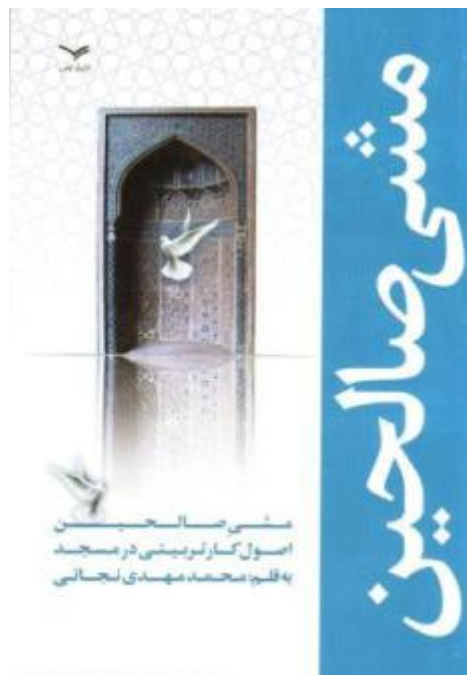
جگر شیر نداری سفر عشق مرو.....

و بدان که در سفری بس اینچنین دشوار، همسفرانی خسته و درمانده و اهل کام و ناز و بندگان نام و مقام، هرگز نمی توانند پا به پای تو تمام مسیر را طی کنند و چه بسا که در این راه، تو را نیز از ادامه راه باز دارند زیرا:

عشق کار نازکان نرم نیست
عشق کار پهلوان است ای پسر
و تو چه می دانی که تازیانه عشق گاه، خانه نشینت خواهد کرد که تا بوده همین بوده و تا هست همین است؛ پس اگر مسلمانی، باید تسلیم باشی و دم نرنی و مبادا تو با این همه ادعای دلدادگی از راه بمانی! و مقهور دنیا و زر و زیور آن و زن و فرزند و زندگی شوی، راستی چه زیبا سروده است شاعر، آنجا که می گوید:

عشق از اول سرکش و خونی بود
تا گریزد هر که بیرونی بود

مخلص کلام آنکه، این کار، یعنی خود را وقف تربیت مردم کردن، در واقع نوعی معامله با خداست و اجر و مزدش را خدا خواهد داد؛ پس در این راه حتما از این آیه شریفه استمداد بطلب که (ان تنصرو الله ینصرکم و یثبت اقدامکم)، آنگاه یا علی بگو و کارت را شروع کن. راستی گفتم معامله با خدا، یادم آمد که نقل می کنند: حضرت آقا، مقام عظمای ولایت، امام خامنه ای (مد ظله العالی)، وقتی در قم مشغول به تحصیل علوم دینی بودند، دوست داشتند در آنجا بمانند و از محضر اساتید قم بهره ببرند، اما ایشان با خدا معامله ای کردند که خدا عوضش را به ایشان داد و آن این بود که آقا، به واسطه مریضی پدرشان به مشهد آمدند و خدا هم در این معامله با خدا، که تنها رضای او در آن لحاظ شده بود مرتبتی به ایشان داد که به خیلی از همدرسان ایشان در قم نداد.



نویسنده : محمد مهدی نجاتی

♦ موضوع :

اصول کار تربیتی در مسجد

♦ ناشران :

کتابدار توس

♦ تاریخ انتشار : 1392/02/08

♦ قیمت پشت جلد : 35000 ریال